

مسئولیت مدنی ناشی از اعمال حق در حقوق ایران و فقه امامیه با نگاهی به آموزه‌های قرآنی

علی آزادی*

علی عباس حیاتی**

محمد ملکیان***

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۲۰

چکیده

با توجه به قواعد مسئولیت مدنی هر کسی که به دیگری زبانی وارد کند باید از عهده جبران آن بر آید. اما آیا اگر کسی در مسیر اعمال حق خویش، زبانی به دیگری وارد نماید نیز در مقابل زیان‌دیده مسئول است؟ در فقه اسلامی این موضوع ذیل عنوان تعارض قاعده لاضرر و قاعده تسلیط مورد بررسی قرار گرفته است و نهایتاً نظری قوت گرفته است که قاعده لاضرر حاکم بر قاعده تسلیط است. در حقوق موضوعه قانونگذار حکم این مسأله را در اصل ۴۰ قانون اساسی و ماده ۱۳۲ قانون مدنی بیان کرده است که پس از تحلیل مبانی احکام مربوط، به این نتیجه می‌رسیم که اگر کسی در حق خویش تصرفی کند مجاز نیست به دیگری ضرری وارد کند و اگر ضرر وارد کرد، در هر حال، در برابر زیان‌دیده مسئولیت دارد و اگر کسی در حق خویش تصرفی نماید که باعث زحمت و مشقت دیگری شود، در صورتی مسئول است و از این تصرفات منع می‌شود که این تصرفات عرفاً برای او ضروری نباشد.

کلیدواژگان: ضرر، قاعده لاضرر، قاعده تسلیط، اعمال حق.

* قاضی دادگستری و کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
azadireza1393@gmail.com

** استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی.

*** قاضی دادگستری.

نویسنده مسئول: علی آزادی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اصول حقوقی «ضرورت جبران ضرر ناروا» است. مطابق این اصل هر کس که به دیگری به ناروا ضرری وارد کند، باید آن را جبران کند. اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا اگر کسی در حین اعمال حقوق خود به دیگری ضرری وارد نماید، باید از عهده جبران آن بر آید؟ اگر در پاسخ به این سؤال توجه ما صرفاً به عامل زیان معطوف شود، طبیعتاً ممکن است گفته شود کسی که حق خویش را اعمال می‌کند در اعمال آن مجاز بوده است پس نباید مسئولیتی داشته باشد و اگر توجه ما صرفاً به زیان‌دیده معطوف شود ممکن است پاسخ این باشد که زیان‌دیده استحقاق تحمل این خسارت را ندارد و دیگری حتی اگر در موقعیت اعمال حق خویش باشد نباید به کسی ضرری وارد کند. در حقوق ایران، قانونگذار در اصل ۴۰ قانون اساسی و ماده ۱۳۲ قانون مدنی به این مسأله پرداخته است. مطابق اصل مذکور «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». بنابراین، در پاسخ به سؤال مطروح، این اصل به طور مطلق اشخاص را ممنوع کرده است که به دیگران ضرری وارد کنند حتی اگر در موقعیت اعمال حق خویش باشند. در این اصل قانونگذار هیچ استثنایی را هم ذکر نکرده است. ولی در ماده ۱۳۲ قانونگذار با حکمی متفاوت تر به این مسأله پرداخته است. مطابق این ماده «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که متسلباً تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد». ظاهر این ماده گویای آن است که اگر کسی در موقعیت اعمال حق خویش به دیگری ضرری وارد نماید، مسئولیتی ندارد، مگر اینکه تصرف او متعارف نباشد. بنابراین، اگر تصرف متصرف، متعارف باشد در قبال ضرری که به دیگری وارد می‌کند مسئولیتی ندارد. حال جای این سؤال وجود دارد که آیا قانون اساسی که مؤخر بر قانون مدنی است ناسخ قسمت استثنای ماده ۱۳۲ قانون مدنی است یا اینکه بدون توسل به احکام نسخ می‌توان تفسیری ارائه نمود که به حل این تفاوت کمک کند؟ به نظر می‌رسد قبل از پاسخگویی به این سؤال بهتر است پیشینه آن را در فقه بررسی کنیم. در فقه مسأله مورد نظر ذیل عنوان حل تعارض قاعده لا ضرر و قاعده تسلیط مورد بررسی قرار گرفته است. اتفاقاً مفسرین قانون مدنی نیز در تفسیر ماده ۱۳۲

همین موضوع را مطرح کرده‌اند و سپس نتیجه‌گیری کرده‌اند که قانونگذار در ماده ۱۳۲ قانون مدنی قاعده لا ضرر را حاکم بر قاعده تسلیط دانسته است. با این مقدمه ابتدا به پیشینه بحث مورد نظر در فقه و سپس حقوق موضوعه می‌پردازیم.

پیشینه تحقیق

بهره مند، توکلی و مهدوی (۱۳۹۸) مقاله‌ای با عنوان «مبانی قرآنی و روایی مسئولیت مدنی قاضی و جریان آن در قوانین موضوعه» در فصلنامه علمی مطالعات قرآنی منتشر کرده‌اند. نگارندگان به این نتیجه رسیده‌اند از دیدگاه فقه و حقوق قاضی بایستی شرایط ویژه‌ای داشته باشد تا بتواند رسالت خود را در جهت تحقق عدالت فردی و اجتماعی ایفا نماید و به منظور دستیابی به این مهم دستگاه قضائی نیازمند قضات و دادرسان مطلع به مبانی فقهی و حقوقی موضوعات و احکام، مستقل و دارای مصونیت کافی است که فارغ از هرگونه اهداف و اغراض شخصی صرفاً بر اساس قانون و قسط و عدل به حل و فصل دعاوی و خصومت بپردازد ولی در عین این مصونیت و استقلال به منظور جلوگیری از خودرأیی و خودمحوری و انحراف احتمالی قاضی، مسئولیت وی در نظام حقوقی اسلام به استنباط از قرآن و روایات پیش بینی شده است تا ایشان پاسخگوی تصمیمات ناشی از اشتباه و تقصیر خود در قبال افراد متضرر از این تصمیم باشد تا امید و انتظار جامعه از دستگاه قضائی مبدل به یأس نگردد.

پروین و نصرتی (۱۳۹۰) مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی از مسئولیت مندرج در ماده ۱۳۲ قانون مدنی و تأملی بر تخصیص یا عدم تخصیص آن» در فصلنامه حقوقی معاصر منتشر کرده‌اند. نگارندگان به این نتیجه رسیده‌اند که اعمال حق مالکیت در حقوق ایران با ضوابط و شرایطی روبه‌روست که این شرایط را ماده ۱۳۲ قانون مدنی بیان می‌دارد. بر اساس این ماده اگر اعمال حق مالکیت به ضرر دیگری است می‌باید به «قدر متعارف» و «برای رفع حاجت و یا ضرر از خود» باشد تا برای اعمال‌کننده آن مسئولیتی به بار نیآورد. از این بیان می‌توان اینگونه استنتاج کرد که هر ضرری که از اعمال حق به دیگری وارد می‌آید ناویرا نیست و قانون مدنی فقط ضرر ناویرا را به هنگام اعمال حق، باعث ایجاد مسئولیت دانسته است. در این مقاله به بررسی میزان قیود و حدود این ضرر

ناروا و اعمال حق با توجه به این ماده پرداخته شده است. از طرف دیگر موادی از قانون مجازات اسلامی، یعنی مواد ۳۵۲ تا ۳۵۴، در مورد این موضوع که شخصی در ملک خود آتشی روشن کند و این آتش به ملک دیگری سرایت کند احکامی دارد که برخی حقوقدانان حکم این مواد از قانون مجازات را از آنجا که مؤخر بر ماده ۱۳۲ ق.م.هستند، مخصص ماده ۱۳۲ ق.م.می دانند. نتیجه این امر تغییر شرایط اعمال حق و شرایط ایجاد مسئولیت برای اعمال کننده حق است. نگارنده با دلایلی، من جمله اینکه موضوع ماده ۱۳۲ ق.م. با این مواد از قانون مجازات یکی نیست تا یکدیگر را تخصیص بزنند، این موضوع را رد کرده و مورد نقد قرار داده است.

مسئولیت مدنی ناشی از اعمال حق در فقه

در فقه موضوع ضمان ناشی از تصرف در حق، ذیل عنوان تعارض قاعده لا ضرر با قاعده تسلیط مورد بررسی قرار گرفته است. یعنی سخن بر سر این است که آیا کسی که حق خویش را اعمال می کند بر اساس قاعده تسلیط مجاز در تصرف است، حتی اگر باعث اضرار به غیر شود یا اینکه قاعده لا ضرر حاکم بر قاعده تسلیط است و متصرف تا جایی می تواند در حقوق خویش تصرف کند که باعث اضرار به غیر نشود؟ برای پاسخی روشن به این مسأله لازم است، ابتدا قاعده لا ضرر و سپس قاعده تسلیط مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت به نحوه حل تعارض این دو قاعده از منظر فقها بپردازیم.

قاعده لا ضرر یا قاعده نفی ضرر، یکی از مهم ترین قواعد فقه اسلامی است که در ضمان قهری مورد استناد قرار می گیرد. قلمرو قاعده لا ضرر فراتر از ضمان قهری است و گاهی برای عبادات هم به آن استناد می شود. با وجود این بعضی از فقهای معاصر مخالف شمول قاعده لا ضرر بر عبادات هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۶۲-۶۵). این قاعده مستنبط از روایات بسیاری است که در این زمینه وجود دارد. از این روایات، چند روایت داستان سمره بن جندب و مرد انصاری را بیان کرده اند. کلینی در «کافی» از زراره از امام باقر(ع) نقل می کند: «سمره بن جندب، درخت خرمايي در باغ يکي از انصار داشت. منزل آن انصاری در آستانه آن باغ قرار داشت. سمره، بدون اجازه از انصاری برای سرکشی از درخت خود رفت و آمد می کرد. مرد انصاری از سمره خواست: به هنگام ورود

اجازه بگیرد: اما او نپذیرفت. انصاری شکایت نزد پیامبر(ص) برد. پیامبر اسلام(ص) سمره را احضار و شکایت انصاری را به او اطلاع داد و از او خواست هنگامی که قصد دارد وارد باغ شود اجازه بگیرد، اما او نپذیرفت پیامبر فرمود: در برابر آن درختی در بهشت بگیر، سمره نپذیرفت. پیامبر اسلام(ص) خطاب به مرد انصاری فرمود: «اذهب فقلعها وارم بها إلیه فإنه لا ضرر ولا ضرار» (کلینی، ۱۳۸۷: ۲۹۱). کلینی، در کتاب «کافی»، همین روایت را با سندی دیگر البته با اندکی اختلاف از عبدالله بن مسکان از زراره از امام محمد باقر(ع) از قول پیامبر(ص) نقل کرده است: «انک رجل مضار ولا ضرر ولا ضرار علی مؤمن. قال: ثم امر بها رسول الله فقلعت ثم رمی بها الیه. وقال له رسول الله: انطلق فاغرسها حیث شئت» (همان: ۲۹۴). البته در روایات دیگر به جای «علی مؤمن»، «فی الاسلام» آمده است. با وجود این، بیش تر فقها معتقدند که پس از عبارت «لا ضرر ولا ضرار» چیز دیگری وجود ندارد. امام خمینی(ره) در این خصوص گفته‌اند: «لم نجد فی شیء من الروایات المعتمدة کلمة «فی الاسلام» فی ذیل حدیث لا ضرر، فان ما نقل مذیلا بها انما هی مرسلۃ الصدوق والعلامة ومرسلۃ ابن الاثیر ولا یبعد اخذ العلامة من الصدوق» (امام خمینی، ۱۳۸۵ق: ۲۵).

اما مهم ترین بحثی که فقها ذیل این روایت آورده‌اند مفهوم «ضرر» و «ضرار» است. شناخت مفهوم لغوی این واژه‌ها در تعیین قلمرو قاعده لا ضرر، اهمیت زیادی دارد. شیخ انصاری می‌گوید: «فالمهم بیان معنی الضرر، اما الضرر فهو معلوم عرفا، ففی المصباح، الضر بفتح الضاد مصدر ضره یضره اذا فعل به مکروها... وقد یطلق علی نقص فی الأعیان... و فی النهایة... معنی قوله(ع) لا ضرر: ای یضر الرجل أخاه بان ینقصه شیئا من حقوقه...» یعنی مهم روشن کردن معنی ضرر است. مفهوم ضرر در عرف روشن است. در «مصباح المنیر» در تعریف ضرر گفته شده است، عمل ناپسند نسبت به دیگران و یا نقص در اعیان. در «نهایه»/بن‌اثر هم آمده است که مفهوم قول پیامبر اسلام(ص) این است که انسان نباید به دیگری ضرر بزند و از حق او چیزی بکاهد. شیخ انصاری پس از این، معانی گوناگونی را به نقل از ابن‌اثر، برای واژه «ضرار» آورده است. ۱- ضرار، مجازات بر ضرری است که از سوی دیگران به انسان می‌رسد. ۲- ضرار، ضرر رساندن متقابل دو نفر است به یکدیگر. ۳- ضرر در جاهایی است که انسان به دیگری ضرر می‌رساند که خودش

سودی برد. اما ضرار، در جاهایی است که با ضرر به دیگران سودی هم به خودش بر نمی‌رسد. ۴- ضرر و ضرار به یک معنایند (انصاری، ۱۴۱۴:ق: ۱۱۲ به بعد).

میرزای نائینی در تفاوت میان ضرر و ضرار می‌گوید: «اگر از حکم یا کاری که بدون قصد انجام گرفته، زبانی ناشی شود، به آن «ضرر» گفته می‌شود، ولی اگر از روی قصد و عمد باشد، به آن «ضرار» است» (میرزای نائینی، ۱۳۹۱: ۱۹۹). اما/امام خمینی (ره) در این خصوص گفته است: «ضرر و اضرار، بیش‌تر، به معنای کاستن از مال و جان به کار رفته است و ضرار و مشتقات آن، به معنای در تنگنا قرار دادن و مزاحمت برای دیگران به کار رفته است. بنابراین، ضرار به معنای ضرر، اصرار بر ضرر، مجازات بر ضرر و یا ضرر متقابل نیز نیست. بنابراین، غالب استعمالات ضرر و مشتقات آن مالی یا نفسی است، ولی کاربرد ضرار و مشتقاتش در تزییق، اهمال، حرج، سختی و کلفت شایع و رایج است. پس ضرار به معنای اخیر غلبه دارد. بررسی مفهوم ضرر و مشتقات آن در آیات قرآن می‌توان مثبت همین استنباط باشد که به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم.

۱- ﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا لْتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾ (بقره / ۲۳۱). یعنی «هنگامی که زنان را طلاق دادید و به آخرین روزهای «عده» رسیدند، یا آنان را با شیوه‌ای پسندیده نگه دارید و یا با شیوه‌ای پسندیده آنان را رها کنید. هیچ‌گاه با قصد اذیت و آزار، آنان را نگه ندارید، تا به حقوق آنان تجاوز کرده باشید» بنابراین در این آیه ضرار در معنایی که مد نظر است استعمال شده است.

۲- ﴿لَا تَضَارُّ وَالِدَةَ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ﴾ (بقره / ۲۳۳). یعنی «نه مادر حق زیان رساندن به کودک را دارد و نه پدر». مقصود از زیان رساندن همان اذیت و آزار و ایجاد سختی و مشقت است. ممکن است به هنگام اختلاف زن و شوهر به هر دلیل کودک را قربانی انتقام قرار دهند. مثلاً مادر به او شیر ندهد یا پدر کودک را از دیدار مادر محروم کند که آیه مزبور والدین را از اقداماتی که باعث اذیت و آزار کودک می‌شود منع می‌کند. بنابراین، در اینجا از مشتقات ضرار در معنای مورد نظر استفاده شده است.

۳- ﴿وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِتَصِقُوا عَلَيْهِنَّ﴾ (طلاق / ۶) یعنی «زنان مطلقه را تحت آزار قرار ندهید تا بر آنها ایجاد مشقت کنید» در این آیه نیز از مشتقات ضرار در معنای مورد نظر استفاده شده است.

۴- ﴿مَنْ بَعَدَ وَصِيَّةَ يُوَصِّي بِهَا أَوْ دِينَ غَيْرَ مَصَارٍ﴾ (نساء/ ۱۲). در این آیه نیز به موصی سفارش شده است که از وصیتی که به هدف زیان رساندن به وراث است بپرهیزد. در این آیه نیز از مشتقات ضرار در معنای مورد نظر استفاده شده است.

۵- ﴿وَلَا يَصَارَ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ﴾ (بقره/ ۲۸۲) یعنی «کاتب و شاهد را مورد اذیت و آزار قرار ندهید». چون ممکن است بعد از انجام معامله کسی به عنوان کاتب مفاد معامله را بنویسد و یا کسی بر انجام آن معامله شهادت بدهد لذا بعید نیست طرفی که احساس می‌کند کتابت یا شهادت به ضرر او است کاتب و یا شاهد را مورد اذیت و آزار قرار دهد که آیه مزبور از چنین کار منع کرده است. بنابراین در این آیه نیز از مشتقات ضرار در معنای مورد نظر استفاده شده است.

۶- ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (بقره/ ۱۰۷). ساخت مسجد ضرار اساساً برای ایجاد خسارت مالی نبوده است بلکه ساخت این مسجد بیش‌تر به هدف اذیت و آزار مسلمانان صورت گرفت که پیامبر اسلام دستور تخریب آن را صادر کردند. بنابراین یک بررسی اجمالی از مفهوم ضرار و مشتقات آن در آیات قرآن به خوبی نمایان می‌کند که از این واژه برای معانی تضییق، اهمال، حرج، سختی و کلفت، مشقت، مزاحمت به کار می‌رود (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳۰ و ۳۱).

بر اساس این دیدگاه می‌توان قاعده موسوم به لا ضرر را شامل دو بخش دانست. بخش نخست «لا ضرر فی الاسلام» و بخش دوم «لا ضرار فی الاسلام». بخش اول قاعده ممنوعیت ایجاد ضررهای مالی، نفسی و عرضی مورد حکم قرار گرفته است و بخش دوم ممنوعیت مزاحمت و ایجاد مشقت برای دیگری مورد حکم قرار گرفته است و به نظر می‌رسد چنین استنطالی کاملاً صحیح است و بر اساس همین دیدگاه در ادامه به حل تعارض قاعده مزبور با قاعده تسلیط می‌پردازیم. با وجود این دیدگاه دیگر نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اما یکی دیگر از مهم‌ترین مباحث در خصوص این قاعده، تعیین مفهوم آن است. در این زمینه نظرات یکسان نیست. با وجود این مهم‌ترین دیدگاه‌هایی که در این خصوص مطرح شده است عبارت است از:

۱. حرام بودن ضرر زدن به دیگران است (طبق این نظر نفی مذکور در روایت بر نهی حمل می‌شود). یعنی ضرر زدن و اضرار به یکدیگر از دید شرعاً ممنوع و حرام است و این روایت دلالتی بر ضرورت جبران ضرر ندارد (شهید اول، بی تا: ۳۹؛ شیخ الشریعه اصفهانی، ۱۴۱۰: ۲۴ و ۲۵؛ امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

۲. نفی ضرر غیر متدارک (یعنی ضرری که جبران نشده باشد، در اسلام وجود ندارد). بر اساس این دیدگاه نفی به حال خودش باقی است. «لا ضرر ولا ضرار» به این معناست که هر کس به دیگری ضرری بزند، باید آن را جبران کند. بر اساس این دیدگاه اگر مالی از کسی از بین برود و جبرانی در برابر آن نباشد، این ضرر است و چون این ضرر، در شریعت اسلام نفی شده است، پس باید در برابر آن تدارک و جبرانی وجود داشته باشد. اگر کسی جاهل به «غبن» است و مال خود را به کم‌تر از ارزش واقعی آن به دیگری فروخته، بر او ضرر وارد شده و خیار فسخ که برای او در نظر گرفته شده، برای جبران زیان اوست (مراغی، ۱۴۱۷: ۳۲۴؛ انصاری، ۱۴۱۴: ۳۷۲).

۳. نفی حکم ضرری. شیخ انصاری، نائینی و بسیاری از دیگر فقیهان بنام، همین دیدگاه را پذیرفته‌اند. شیخ انصاری پس از نقل و نقد دیگر دیدگاه‌ها، می‌نویسد: «مقصود حدیث، نفی حکم شرعی زیان زننده بر بندگان است به این معنی که در اسلام حکم زیان جعل نشده است. به دیگر سخن، حکمی که از عمل به آن ضرری بر بندگان وارد آید در اسلام وضع نشده است. از باب نمونه، حکم شرعی به لزوم بیع غبنی، ضرر بر مغبون است، پس در شرع اسلام نفی شده است. وجوب وضوء در صورتی که آب برای وضوء گیرنده ضرر داشته باشد، حکم ضرری است که در اسلام نیست. همچنین جایز بودن ضرر زدن به دیگران، حکم ضرری است که در اسلام نفی شده است» (همان؛ نراقی، ۱۳۷۵: ۵۰).

۴. نفی حکم به لسان نفی موضوع. آخوند خراسانی دیدگاه شیخ را نپذیرفته‌اند و بر آن اشکال‌هایی وارد ساخته و سپس یادآور شده: مفهوم حدیث «لا ضرر ولا ضرار» نفی حکم است به لسان نفی موضوع.

۵. نهی حکومتی و سلطانی. طبق این نظر که از سوی امام خمینی (ره) مطرح شده است، «لا» نفی جنس به معنی نهی است و مقصود از آن نهی حکومتی و سلطانی است،

نه نهی تکلیفی (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵: ۳۷). طبیعتاً اگر کسی از اضرار و یا ایجاد مزاحمت برای دیگری منع شود و از آن سرپیچی کند ضامن است. / امام خمینی (ره) پس از بررسی اقوال مختلف پیرامون مفهوم قاعده مزبور نهایتاً می‌گوید: مفهوم: «لا ضرر ولا ضرار» نهی از اضرار است. اما نه به معنای نهی الهی، بلکه به معنای نهی حکومتی و سلطانی. «حدیث نفی ضرر و ضرار، از مسند احمد حنبل به روایت عبادة بن صامت در ضمن فرازهایی آمده که با واژه «قضی» شروع شده است و روشن شد که از ظاهر واژه‌های قضی، امر و حکم، بر می‌آید که مسأله از مواردی بوده که پیامبر (ص) به عنوان حاکم یا قاضی دستوری صادر کرده است و چون مورد از موارد قضاوت نبوده، پس دستور حکومتی بوده است. پیامبر (ص) با توجه به مقام حکومتی خود، از ضرر و ضرار نهی کرده است. بنابراین، معنای روایت این می‌شود: پیامبر خدا (ص) به عنوان رهبر جامعه و حاکم اسلامی مردم را از هرگونه زیان رسانی به دیگران باز می‌دارد و بر دیگران، پیروی از دستور وی، واجب است» (مزینانی، ۱۳۸۶: ۲۱ و ۲۲).

پیامبر (ص) در این داستان، در صدد بیان حکم الهی نبوده است تا بگوییم معنای حدیث این است که: خداوند حکم ضرری تشریح نکرده و یا اینکه بگوییم خداوند از ضرر به دیگران نهی کرده است. برای سمره و مرد انصاری، نه شبهه موضوعیه و نه حکمی، هیچ کدام وجود نداشته است. تنها در اینجا تجاوز سمره و سرپیچی او از دستور پیامبر اسلام (ص)، اجازه گرفتن از مرد انصاری، به هنگام ورود به باغ او، مطرح بوده است و چون سمره از این حکم سرپیچی کرد، پیامبر (ص) دستور به کندن درخت او داده است. بنابراین، هرچند در روایات ما «لا ضرر ولا ضرار» با واژه‌های یادشده نیامده، ولی نشانه‌های زیادی، بیانگر این نکته‌اند که مقصود حکم حکومتی بوده است (همان).

بعد از اینکه مفهوم قاعده لا ضرر مشخص گردید، لازم است به بررسی قاعده تسلیط و نحوه حل تعارض این دو قاعده از منظر فقها بپردازیم.

«تسلیط» در لغت به معنای گماشتن، چیره دست کردن، مسلط ساختن، برگماشتن کسی را بر کسی، است (عمید، ۱۳۹۰؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه «تسلیط»). اما از نظر اصطلاحی، یعنی تسلط و اختیار مالک برای هرگونه تصرف در اموال خویش. فقهای امامیه قاعده تسلیط را با توجه به حدیث نبوی «انّ الناس مسلطون علی اموالهم» مورد

بررسی قرار داده‌اند. برخی فقها، مدرک این قاعده را ادله چهارگانه کتاب (آیات ۲ و ۲۹ سوره نساء و آیه ۱۸۸ سوره بقره) و سنت (حدیث مذکور) و عقل (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶: ۲۹) و اجماع (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۱۴؛ مصطفوی، ۱۴۱۷: ۱۳۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲۶) می‌دانند.

میان قاعده لا ضرر و تسلیط ضرورتاً در همه موارد تعارض پیش نمی‌آید. به عنوان مثال، اگر کسی در منزل خود در حال استراحت باشد، بر اساس قاعده تسلیط تصرف مجازی در حق خویش کرده است که به این سبب در برابر کسی مسئول نیست. ولی در مواردی ممکن است کسی در مال خود تصرفی کند که ملازمه با اضرار به غیر داشته باشد. مانند اینکه شخصی در حین احداث بنا در ملک خویش به ملک همسایه ضرری وارد آورد. در این صورت مقتضای قاعده تسلیط این است که این شخص در تصرفات خود مجاز باشد و مقتضای قاعده لا ضرر این است که تصرفات وی تا جایی مجاز است که به دیگری ضرری وارد نیآورد. حال در چنین صورتی کدام قاعده مقدم خواهد بود؟ مشهور فقهای شیعه معتقدند که لا ضرر بر همه احکام اولیه حکومت دارد (شیخ انصاری، ۱۴۱۴: ۷۵). امام خمینی (ره) با اینکه مفهوم لا ضرر را نهی حکومتی می‌دانند، به حکومت لا ضرر بر قاعده تسلیط معتقد است (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۶۳). البته سوای این، امام خمینی (ره) به طور کلی احکام حکومتی را بر احکام اولیه مقدم می‌داند. وی می‌گوید: «... حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند، حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرر باشد در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند...» (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۲: ۱۷۰).

دیدیم که امام خمینی (ره) از حیث معنا میان ضرر و ضرار تفاوت قائل شدند و در تعارض قاعده لا ضرر و قاعده تسلیط به نظر می‌رسد اگر این تفاوت معنا لحاظ گردد برای رفع تعارض بهتر است قائل به تفصیل شد. در بخش بعدی که به بررسی مسأله در

حقوق موضوعه اختصاص یافته است با در نظر گرفتن متفاوت بودن معنای ضرر از ضرار به نحوه حل تعارض میان این دو قاعده می‌پردازیم.

مسئولیت مدنی ناشی از اعمال حق در حقوق موضوعه

افراد به موجب قانون اساسی، از حقوق گوناگونی برخوردارند. ارزش این حقوق در این است که صاحب حق اختیار اعمال آن را داشته باشد. به همین دلیل، به دلالت عقلی، داشتن هر حقی، مستلزم این است که صاحب حق، اختیار اعمال آن را داشته باشد. اما، محدودیت‌های زندگی اجتماعی در عصر حاضر، به خاطر تراکم جمعیت و کمبود منابع و امکانات و همچنین به خاطر رقابت اجتناب‌ناپذیر شهروندان در تصاحب موقعیت‌های برتر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، باعث شده است که اعمال حقوق به نحو اطلاق پذیرفته نشود. رعایت حقوق افراد اجتماع و ایجاد توازن و تعادل در بهره‌مندی از حقوق، موجب شده است، اعمال حق، مقید به رعایت حقوق سایر افراد اجتماع شود. رعایت حقوق سایرین از سوی اعمال‌کننده حق، به هنگام اعمال آن، منوط به این است که دیگران را متحمل ضرر یا مشقتی نکنند.

در حقوق فرانسه، حقوقدانان به بررسی این مسأله پرداخته‌اند که آیا اگر فردی حق خویش را اعمال کند، ممکن است، مسئول خساراتی باشد که از اعمال آن حق ناشی شده است؟ حقوقدانان قدیم، عموماً قائل به این بودند که اگر در ضمن اعمال حق ضرری به کسی وارد آید، مسئولیت مدنی به وجود نمی‌آید. به عبارتی، صرفِ اعمال حق، فعل زیانبار را توجیه و مسئولیت مدنی عامل زیان را رفع می‌نماید. اما در نیمه اول قرن بیستم، کم‌کم این نظریه میان حقوقدانان قوت گرفت که اگر کسی، به هنگام اعمال حق، مرتکب تقصیری شود، مسئول نتایج فعل زیانبار خویش است و صرفِ اینکه وی، در صدد اعمال حق خویش بوده است، رافع مسئولیت نمی‌شود. این ایده به نظریه «سوء استفاده از حق» شهرت یافت. قائلین به ممنوعیت سوء استفاده از حق می‌گفتند، حق امری مطلق نیست، بلکه نسبی است و ذی حق نمی‌تواند از اعمال آن سوء استفاده کند و باعث زیان دیگری شود. با این حال، در این نظام حقوقی، مسأله اصلی این بود که چگونه می‌توان تشخیص داد که از اعمال حقی سوء استفاده شده است. در دکترین و

رویه قضایی، دیدگاه‌های متفاوتی به وجود آمد. ژوسران حقوقدان مشهور فرانسوی گفته است اگر حقی بر خلاف اهداف اجتماعی آن مورد استفاده قرار گیرد، از آن سوء استفاده شده است (Buffelan-Lanore et..., 2010: p 640 et 641). بعضی معیار را نیت صاحب حق قرار دادند و گفتند نیت اضرار به غیر، کافی است که فعل فرد سوء استفاده از حق قلمداد شود. در نهایت، بعضی هم با توسل به قواعد عام مسئولیت مدنی، از ضابطه تقصیر استفاده کردند و گفتند، سوء استفاده از حق، زمانی روی می‌دهد که به هنگام اعمال حق، تقصیری روی دهد. برای تشخیص اینکه تقصیری هم روی داده است یا نه، رفتار یک انسان متعارف، در شرایط صاحب حق، معیار قرار می‌گیرد. اگر از رفتار چنین انسانی تخلف شده باشد، صاحب حق به سبب تقصیر در اعمال حق (سوء استفاده از حق)، مسئولیت مدنی دارد و در غیر این صورت، مسئولیتی نخواهد داشت. معیار اخیر در حقوق فرانسه، مقبولیت بیش‌تری داشته و در رویه قضایی هم بیش‌تر مورد استفاده قرار گرفته است. حتی بعضی از حقوقدانان نظریه سوء استفاده از حق را معادل «تقصیر در اجرای حق» دانسته‌اند (Flour, 2009: 137).

اما در حقوق ایران حقوقدانان برای پاسخ به این مسأله سعی کرده‌اند به تحلیل‌های فقهی روی آورند و از میان دیدگاه‌هایی که فقها مطرح کرده‌اند پاسخ مسأله بیابند (بهرامی، ۱۳۹۰: ۱۰ به بعد). در این نوشتار نیز به همین منوال با تکیه بر مطالب مطروحه در بخش اول به بررسی آن می‌پردازیم. گفتیم که مقصود از «ضرر» همان تعبیر عرفی از این اصطلاح است که یکی از ارکان مسئولیت مدنی را تشکیل می‌دهد. اما مقصود از «مشقت» تحمل سختی است که به سبب مزاحمت دیگری ایجاد می‌شود. در قاعده «لا ضرر» تعبیر مختلفی از مفهوم ضرر و اضرار به توسط فقها ارائه شده است. یکی از دقیق‌ترین تعبیر، تعبیری بود که امام خمینی (ره) به عمل آورده بودند. به این صورت که «ضرر» به معنای هر نقصان یا عیبی است که در مال یا نفس به وجود آید و «ضرار» به معنای مزاحمت و تضییق است.

با این تعبیر، می‌توان گفت، اعمال حق، ممکن است، باعث ضرر یا اضرار برای دیگران شود. مصادیق اضرار (تضییق) فراوان است. به عنوان مثال، شهروندی قصد استفاده از خودروی خویش دارد ولی استفاده از این حق باعث آلودگی صوتی، آلودگی هوا، ترافیک

و... برای دیگران می‌شود. یا فردی قصد احداث بنا در ملک خویش دارد؛ عملیات احداث بنا، به طور طبیعی برای همسایگان ایجاد مزاحمت می‌کند. یا فردی قصد دارد، در کنار مغازه دیگری، کسب مشابه راه بیندازد، طبیعتاً باعث کم‌شدن مشتریان مغازه مجاور می‌شود. در آزمون‌های مختلف استخدامی، هر شرکت‌کننده‌ای عرصه را تا اندازه‌ای بر دیگران تنگ‌تر می‌کند. در فعالیت‌های سیاسی، هر نامزدی به همین شکل عرصه رقابت را برای سایر نامزدها، تنگ‌تر می‌کند و...؛ طبیعتاً اگر ضراهای (تضییقات) مورد اشاره، به قدر متعارف باشد، (یعنی برای رفع حاجت یا دفع ضرر باشد) برای اعمال‌کننده حق مسئولیتی در بر ندارد. زیرا، تحمل چنین مشقاتی عرفاً در زندگی اجتماعی اجتناب‌ناپذیر بوده و عنصر ضرر که یکی از ارکان مسئولیت مدنی است، محقق نمی‌شود تا برای اعمال‌کننده حق، مسئولیتی در پی داشته باشد. با وجود این، اگر اعمال این حقوق متعارف نباشد، نشان از سوء نیت صاحب حق دارد. لذا به موجب اصل ۴۰ (ق.ا): «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». حکم مقرر در این اصل، به قاعده ممنوعیت «سوء استفاده از حق» شهرت دارد.

بنابراین، اگر اعمال‌کننده حق، به انگیزه متضرر نمودن دیگری، در حق خود تصرف کند، عمل او از نظر حقوقی، مجاز نبوده و سزای این نیت سوء، این است که از تصرف در حق خویش، محروم گردد. و اگر بی‌اعتنا به این منع قانونی در حق خود تصرفی کند که به دیگران ضرری وارد نماید باید از عهده خسارات وارده بر آید. اصل مزبور هیچ استثنایی برای اضرار به غیر حتی در فرضی که عامل زیان حق خویش را اعمال می‌نماید قائل نشده است. بنابراین و بر اساس دیدگاه فقهای که قاعده لا ضرر را حاکم بر قاعده تسلیط می‌دانستند نگاشته شده است.

اما ماده ۱۳۲ (ق.م) حکمی مشابه دارد که حسب ظاهر با حکم مقرر در اصل ۴۰ قانون اساسی مشترک است ولی به نظر می‌رسد اینگونه نیست. مطابق این ماده: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که متسلباً تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد». واژه مستعمله در این ماده از مشتقات ضرر است. حسب ظاهر این ماده به خلاف اصل ۴۰ قانون اساسی متضمن استثنایی است. یعنی اگر کسی در حق خویش تصرف متعارفی نماید در این تصرف مجاز

است حتی اگر منجر به ایراد ضرر به دیگری شود. حال با در نظر گرفتن تعابیری که امام خمینی از مفهوم ضرر و ضرار به عمل آوردند در خصوص این ماده چند نکته را متذکر می‌شویم:

اولاً- این ماده در مقام بیان تعارض «قاعده تسلیط» با قسمت اخیر قاعده «لا ضرر» و حل آن است. توضیح آنکه مطابق قاعده تسلیط که اشعار دارد: «الناس مسلطون علی اموالهم» هر ذی حقی، بر اعمال حق خویش، تسلط دارد و کسی نمی‌تواند، مانع تصرفات ذی حق در حقوق خویش شود. قاعده لا ضرر هم که اشعار دارد: «لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام» مبین این حکم است که در شریعت مقدس اسلام حکمی یافت نمی‌شود که ضرر زدن و ضرار بر دیگری را مباح گرداند.

بنابراین، ضرر زدن و ایجاد تضییق برای دیگری شرعاً جایز نیست و در صورتی که ضرری به دیگری وارد آید، عامل زیان، ملزم به جبران است و در صورتی که برای دیگری، تضییقی وارد آید، ماده تضییق، رفع می‌گردد. به عبارتی، اگر اعمال کننده حقی، برای دیگری ایجاد مزاحمت کند، از کسی که متحمل این مزاحمت است، رفع مزاحمت می‌شود. با این توصیف، باید گفته شود که ماده ۱۳۲ در صدد تبیین تعارض میان قاعده تسلیط و بخش اخیر قاعده لا ضرر یعنی «لا ضرار فی الاسلام» است. و لذا واژه «تضرر» در ماده مزبور باید به «مزاحمت» تعبیر شود. یعنی کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که باعث ضرار (تضییق یا مزاحمت) همسایه شود، مگر اینکه تصرفاتش متعارف باشد که در این صورت تحمل چنین تضییقاتی در زندگی اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است. زیرا اگر غیر از این بود کسی قادر نبود در ملک خود احداث بنا کند یا کسی قادر نبود از خودرو خود استفاده کند و... لذا، می‌توان گفت، در تعارض قاعده تسلیط و بخش دوم قاعده لا ضرر (یعنی لا ضرار فی الاسلام) قاعده تسلیط حاکم است، مقید به اینکه تصرفات متصرف در حقوق خویش، متعارف باشد. بنابراین، اگر تصرفات متصرف متعارف نباشد و در عین حال مستلزم ضرار (تضییق) دیگری باشد، تعارضی بین دو قاعده مورد اشاره قابل تصور نیست. زیرا، ضراری که توأم با سوء نیت متصرف است، از شمول قاعده تسلیط خروج موضوعی دارد و لذا مشمول اطلاق قاعده لا ضرار است که مورد نهی قرار گرفته است.

ثانیاً- معیار تشخیص متعارف بودن تصرف(اعمال حق) مطابق قسمت اخیر ماده ۱۳۲ این است که این تصرفات باید برای رفع حاجت یا دفع ضرر از خود باشد و لذا اگر تصرفی برای یکی از این دو مقصود نباشد، متعارف نیست و البته متصرف در صورتی از آن منع می‌گردد که برای دیگری ایجاد مزاحمت کند. بنابراین، اگر کسی در منزل خود صدای گیرنده صوتی را بلند کند، به نحوی که برای همسایه ایجاد مزاحمت کند، چون چنین تصرفی متعارف نیست، از آن منع می‌گردد. ولی اگر این شخص، در بیابانی که خالی از دیگران است، چنین اقدامی کند، چون باعث ضرر کسی نمی‌شود، هرچند رفتارش نامتعارف است، لذا از آن منع نمی‌گردد.

ثالثاً- متعارف نبودن تصرفی که باعث ضرر(تضییق) دیگری شده است، اماره بر سوء استفاده از حق است و متصرف از آن تصرفات منع می‌گردد.

با توجه با نکات مزبور، می‌توان گفت، قانونگذار در بیان حکم مقرر در ماده ۱۳۲ دچار مسامحه شده است و بهتر بود به جای آن مقرر می‌نمود: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی نماید که باعث زحمت دیگری شود؛ مگر اینکه تصرف وی برای رفع حاجت یا دفع ضرر از خود عرفاً لازم باشد».

رابعاً- اگر در اثر اعمال حق، ضرری به دیگری وارد آید، اعمال کننده حق، در برابر زیان دیده مسئولیت دارد و نمی‌تواند برای رهایی از مسئولیت، به قاعده تسلیط استناد کند. زیرا، قاعده تسلیط حتی در تصرفات متعارف مسئولیت مدنی اعمال کننده حق را رفع نمی‌کند. زیرا، هیچ اعمال حقی، تجویز کننده ایراد ضرر به دیگری نیست. البته ضرری که در دید عرف تشکیل دهنده یکی از ارکان مسئولیت مدنی است.

از آنچه بیان شد، این نتیجه حاصل می‌شود که اعمال حق، مُسَقَطِ مسئولیت مدنی نیست. زیرا، اگر فرد، حتی بدون سوء استفاده از حق، در نتیجه اعمال آن، به دیگری ضرری(در معنای عرفی آن) وارد کند، در صورت اجتماع سایر ارکان مسئولیت مدنی، در برابر زیان دیده مسئول است.

بنابراین، در احراز ارکان مسئولیت مدنی، این عنصر مدخلیتی ندارد که عامل زیان در صدد اعمال حق خویش بوده است یا خیر. بلکه استناد عرفی ضرر به فعل وی، کافی در مسئول دانستن وی است.

نتیجه بحث

در حقوق ایران حقوقدانان برای مسأله مسئولیت مدنی ناشی از اعمال حق به تحلیل‌های فقهی روی آورده‌اند. ما نیز با تمسک به تعبیری که /امام خمینی(ره) در مفهوم ضرر و ضرار داشتند، به تحلیل مسأله مورد نظر پرداختیم. بر اساس نظر معظم له، «ضرر» به معنای هر نقصان یا عیبی است که در مال یا نفس به وجود آید و «ضرار» به معنای مزاحمت و تضییق است. با این تعبیر، می‌توان گفت، اعمال حق، ممکن است، باعث ضرر یا ضرار برای دیگران شود. کسی که اعمال حق می‌کند در هیچ شرایطی مجاز به ایراد ضرر به دیگری نیست و اگر ضرری وارد نماید باید از زیان‌دیده جبران خسارت کند و اصل ۴۰ قانون اساسی هیچ استثنایی برای اضرار به غیر حتی در فرضی که عامل زیان حق خویش را اعمال می‌نماید قائل نشده است.

اما اگر باعث ضرر دیگری شود، یعنی در حالی که اعمال حق می‌کند برای دیگری ایجاد مزاحمت و مشقت کند و این مزاحمت‌ها به قدر متعارف باشد (یعنی برای رفع حاجت یا دفع ضرر باشد)، برای اعمال‌کننده حق، مسئولیتی در بر ندارد. زیرا، تحمل چنین مشقاتی عرفاً در زندگی اجتماعی اجتناب‌ناپذیر بوده و عنصر ضرر که یکی از ارکان مسئولیت مدنی است، محقق نمی‌شود تا برای اعمال‌کننده حق، مسئولیتی در پی داشته باشد. ماده ۱۳۲(ق.م) حکمی مشابه در اصل ۴۰ قانون اساسی دارد. ولی به نظر می‌رسد، اینگونه نیست. مطابق این ماده: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که متسلباً تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد». واژه «تضرر» بکار رفته در این ماده از مشتقات ضرر است. حسب ظاهر این ماده به خلاف اصل ۴۰ قانون اساسی متضمن استثنایی است. یعنی اگر کسی در حق خویش تصرف متعارفی نماید در این تصرف مجاز است حتی اگر منجر به ایراد ضرر به دیگری شود. ولی به نظر می‌رسد، به وجود اصل ۴۰ قانون اساسی که در تعارض قاعده لا ضرر و تسلیط قاعده لا ضرر را حاکم دانسته است در این خصوص نیازی به تمسک به ماده ۱۳۲ نیست. اما در مورد تعارض لا ضرر و تسلیط اصل ۴۰ قانون اساسی مسکوت است و با تغییر عبارتی مختصری در ماده ۱۳۲ می‌توان این خلأ را برطرف نمود. یعنی گفته شود، ماده ۱۳۲ در صدد تبیین تعارض میان قاعده تسلیط و بخش اخیر

قاعده لا ضرر یعنی «لا ضرار فی الاسلام» است و واژه «تضرر» در ماده مزبور به «مزاحمت» تعبیر شود. یعنی کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که باعث ضرار (تضییق یا مزاحمت) همسایه شود، مگر اینکه تصرفاتش متعارف باشد که در این صورت تحمل چنین تضییقاتی در زندگی اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است.

لذا به نظر می‌رسد، قانونگذار در بیان حکم مقرر در ماده ۱۳۲ می‌توانست صحیح‌تر عمل کند. یعنی بهتر بود به جای آن مقرر می‌نمود: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی نماید که باعث زحمت دیگری شود؛ مگر اینکه تصرف وی برای رفع حاجت یا دفع ضرر از خود عرفاً لازم باشد».



کتابنامه

قرآن مجید.

- انصاری، شیخ مرتضی. ۱۴۱۴ق، **الرسائل الفقهية**، چاپ پنجم، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- آخوند خراسانی. ۱۳۹۰ش، **کفایة الأصول**، شرح محمد مسعود عباسی، ج ۳، چاپ سوم، قم: انتشارات دار الفکر.
- بهرامی احمدی، حمید. ۱۳۹۰ش، **قواعد فقه**، ج ۱، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- حیاتی، علی عباس. ۱۳۹۴ش، **مسئولیت مدنی**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- خمینی موسوی، روح الله. ۱۳۸۲ش، **تهذیب الأصول**، به قلم جعفر سبحانی، ج ۳، قم: اسماعیلیان.
- خمینی موسوی، روح الله. ۱۳۸۵ش، **رسائل**، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **لغتنامه دهخدا**، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- عمید، حسن. ۱۳۹۰ش، **فرهنگ عمید**، چاپ سی و هشتم، تهران: امیرکبیر.
- غروی شیرازی اصفهانی، ملا فتح الله (معروف به شیخ الشریعه اصفهانی). ۱۴۱۰ق، **قاعده لاضرر**، مصحح: یحیی ابوطالبی عراقی، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کلینی، محمد یعقوب. ۱۳۸۷ش، **الفروع من الکافی**، مصحح علی اکبر غفاری، ج ۵، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- محقق داماد، سید مصطفی. ۱۳۹۰ش، **قواعد فقه بخش مدنی**، چاپ سی و یکم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مراغی، میر عبدالفتاح. ۱۴۱۷ق، **العناوین**، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مصطفوی، محمد کاظم. ۱۴۱۷ق، **القواعد: مائة قاعدة فقهية معنی ومدركاً ومورداً**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مقدّس اردبیلی، احمد بن محمد. ۱۴۰۳ق، **مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الازدهان**، با تحقیق مجتبی عراقی، علی پناه اشتهااردی، حسین یزدی اصفهانی، ۱۴جلدی، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۸ش، **القواعد الفقهية**، ج ۱، قم: محلاتی.
- نابینی، میرزا محمد حسین. ۱۳۹۱ش، **منیة الطالب فی حاشیة المکاسب**، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- نراقی، ملا احمد. ۱۳۷۵ش، **عوائد الأيام**، قم: المکتب الاسلامی.

کتاب انگلیسی

Flour, (J) Luc-Aubert (J) et Savaux (E), Droit civil, Les obligations, 13 ed, Sirey, 2009

Buffelan-Lanore et Larribu-Terneyre. Droit civil, les obligations. 12 ed, sirey, 2010

مقالات

بهره مند، مهدی و احمدرضا توکلی، و محمدهادی مهدوی. ۱۳۹۸ش، «مبانی قرآنی و روایی مسئولیت مدنی قاضی و جریان آن در قوانین موضوعه»، فصلنامه علمی مطالعات قرآنی، دوره ۱۰، شماره ۳۸.

پروین، فرهاد و ناصر نصرتی صدقیانی. ۱۳۹۰ش، «تحلیلی از مسئولیت مندرج در ماده ۱۳۲ قانون مدنی و تأملی بر تخصیص یا عدم تخصیص آن»، فصلنامه حقوقی معاصر، دوره دوم، شماره ۳. مزینانی، محمد صادق. ۱۳۷۸ش، «نگاهی به قاعده لاضرر از دیدگاه امام خمینی»، مجله کاوشی در فقه، مقاله ۶، دوره ۶، شماره ۲۲-۲۱.

Bibliography

Holy Quran.

Ansari, Sheikh Morteza. 1414 BC, Jurisprudence Letters, Qom: Council of Islamic Thought.

Akhund Khorasani. 2011, "Kifayat al-Osoul", Explanation of Muhammad Masoud Abbasi, vol.3, Qom: The publications of Dar al-Fikr.

Bahrami Ahmadi, Hamid. 2011, Rules of Jurisprudence, Vol. 1, Second Edition, Tehran: Imam Sadegh University Press.

Hayati, Ali Abbas 2015, Civil Liability, First Edition, Tehran: Mizan Publishing.

Khomeini Mousavi, Ruhollah. 2003, Tahdheeb Al-Osoul, by Jafar Sobhani, Volume 3, Qom: Esmailian Press.

Khomeini Mousavi, Ruhollah. 2006, Letters, Qom: Esmailian Publications

Kalini, Muhammad Yaqoub. 2008, Al-Forouq Min Al-Kafi, corrected by Ali Akbar Ghafari, Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah.

Mostafawi, Muhammad Kazem. 1417 BC, Grammar: One Hundred Rules of Jurisprudence, Qom: Institution of Islamic Publishing.

Muqaddas Ardebili, Ahmad bin Muhammad. 1403 B.C., The collection of benefits and arguments in the explanation of the guidance of the minds, by Mojtaba Araqi, Ali Panah Eshtehardi, Hussain Yazdi Esfahani, Qom: Institution of Islamic Publishing.

Makarem Shirazi, Nasser. 1999, Jurisprudence Rules, Part 1, Qom: Mahallatii Press.

Nayini, Mirza Muhammad Hussain. 2012, Moniyat al-Talib in the footnote of al-Makasib, first chapter, Qom: Seminary Teachers University, Qom, Islamic publications book.

Naraq, Mullah Ahmed. 1996, Returns of the Days, Qom: The Islamic Office.

Dehkhoda, Ali Akbar. 1998, Dehkhoda Dictionary, under the supervision of Mohammad Moein and Seyed Jafar Shahidi, Tehran: Publishing and Printing Institute, University of Tehran.

Amid, Hassan, 2011, Farhang-e Amid, 38th edition, Tehran: Amirkabir Pess

Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa. 2011, Rules of Civil Jurisprudence, 31st Edition, Tehran: Islamic Sciences Publishing Center

Gharavi Shirazi Isfahani, Mulla Fathallah (known as Sheikh al-Sharia Isfahani). 1410 B.C., The Rule of No Damage, edited by: Yahya Abu Talebi Araqi, Qom: An Islamic publication book, compiled by the University of Teachers, Qom.

English Books

Flour, (J) Luc-Aubert (J) et Savaux (E), Droit civil, Les obligations, 13 ed, Sirey, 2009

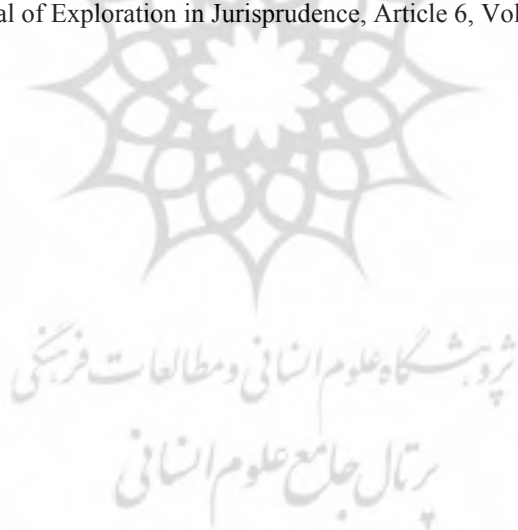
Buffelan-Lanore et Larribu-Terneyre. Droit civil, les obligations. 12 ed, sirey, 2010

Articles

Bahremand, Mehdi and Ahmad Reza Tavakoli, and Mohammad Hadi Mahdavi. 2019, "Quranic Principles and the Validity of Judge's Civil Liability and its effect in Laws", Scientific Quarterly of Quranic Studies, Volume 10, No. 38.

Parvin, Farhad and Nasser Nosrati Sedghiani. 2011, "Analysis of the responsibility contained in Article 132 of the Civil Code and reflection on its allocation or non-allocation", Contemporary Legal Quarterly, Volume 2, No. 3.

Mazinani, Mohammad Sadegh 1999, "A Look at the Harmless Rule from Imam Khomeini's Perspective", Journal of Exploration in Jurisprudence, Article 6, Volume 6, No. 21-22.



**Civil Responsibility from Enforcement of Rights in Iranian Law and
Imami jurisprudence by a Glance at Qur'anic Doctrines**

Receiving Date: 8 June,2020

Acceptance Date: 20 September,2020

Ali Azadi: Court Judge, Post Graduate, Criminology, Islamic Azad University, Arak Branch

Ali Abbas Hayati: Assistant Professor, Literature & Human Sciences, Razi University

Mohammad Malekiyan: Court Judge

Corresponding Author: Ali Azadi

Abstract

According to the rules of civil responsibility, anyone who harms another, must be able to compensate. But if someone harms another along with administrating justice, is also responsible for the loss? In Islamic jurisprudence, the mentioned issue has been studied under the title of conflict between the no-harm rule and the domination rule and to sum up the theory has been strengthened that the no-harm rule governs the domination rule. In the case rights, the legislature has stated this in Article 40 of the Constitution and Article 132 of the Civil Code; by analyzing law principles it is concluded that if someone takes possession of his right that causes another one trouble and hardship, he is responsible, he would be prohibited of his possession if these seizures are not necessary for him legally.

Keywords: harm, no-harm rule, domination rule, right enforcement.